

Investigating the Consequences of the Syrian Fragility State on Iran's Security

Mahdieh heydari*

PhD student in International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Morteza Noormohamadi

Associate Professor of International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Received: 5, August, 2020

Accepted: 29, September, 2020

Abstract

The Syrian crisis began in 2011 and its internationalization was due to the presence of regional and supra-regional actors, the occurrence of numerous internal violence, the displacement of thousands of Syrian citizens, and the destruction of its economic infrastructure and the inability of this government to Meeting the basic needs of its citizens; The heavy shadow of the fragility of the government of this land in the Middle East has increased and has affected the security of many regional governments, including Iran. Therefore, this research, with a descriptive-analytical research method, seeks to answer the question of what security threats has the fragility of the Syrian government posed to Iran? The temporary answer is that Iran's perception of the Syrian government's fragility has posed threats to it, both domestically and regionally; These threats include the threat to territorial integrity and national cohesion, the threat to its geopolitical and geostrategic depth, and the threat to the ideological balance in the region. The findings of this study, using the theory of defensive neorealism, are based on the fact that Iran, in addition to uniting with supra-regional powers such as Russia to strengthen the axis of resistance as its proxy arm, to prevent the Syrian government from overflowing with fragility threats. In the region and trying to keep the Assad government in power with its military presence in Syria, it has posed a threat to balance. The method of collecting information and data in this research is based on the library and Internet methods.

Key words: Fragile State, Syria, Iran, Middle East, Regional Security complex, Security.

* **Corresponding Author:** m.heydari2010@yahoo.com

واکاوای پیامدهای ورشکستگی دولت سوریه بر امنیت ایران

مهديه حيدري*

دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مرتضى نورمحمدی

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

چکیده

آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و بین‌المللی شدن آن به واسطه حضور بازیگران ذینفع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، وقوع خشونت‌های متعدد داخلی، آواره شدن هزاران نفر از شهروندان سوری و از بین رفتن زیربنای اقتصادی آن و ناتوانی این دولت در تأمین نیازهای اساسی شهروندان خود؛ سایه سنگین تهدیدات شکنندگی دولت این سرزمین را در خاورمیانه، روز افزون و امنیت بسیاری از دولت‌های منطقه‌ای از جمله ایران را متأثر از خود ساخته است. لذا این پژوهش با روش تحقیقی توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که شکنندگی دولت سوریه چه تهدیدات امنیتی را فراروی ایران قرار داده است؟ پاسخ موقتی که مطرح شده این است که: برداشت تهدید ایران از شکنندگی دولت سوریه در دو سطح داخلی و منطقه‌ای برای آن تهدیداتی را ایجاد کرده است؛ این تهدیدات شامل تهدید تمامیت ارضی و انسجام ملی، تهدید عمق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن و تهدید توازن ایدئولوژیکی در منطقه است. یافته‌های این پژوهش براین مبناست که ایران برای جلوگیری از سرریزی تهدیدات شکنندگی دولت سوریه به دو محیط داخلی و منطقه‌ای خویش علاوه بر متحد شدن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه به تقویت محور مقاومت به عنوان بازوی نیابت خویش در منطقه و تلاش برای حفظ دولت اسد بر مسند قدرت با حضور نظامی خود در سوریه جهت ایجاد توازن تهدید پرداخته است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این تحقیق مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: دولت شکننده، سوریه، ایران، خاورمیانه، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیت.



DOI: 10.22080/jpir.2020.2946

* نویسنده مسئول: m.heydari2010@yahoo.com

صفحات: ۷۸-۵۹

مقدمه

سوریه در سال ۱۹۴۶ به استقلال دست یافت. از بسیاری جهات سوریه یک دولت بدون دولت ملی و یک تمامیت سیاسی بدون اینکه یک جامعه سیاسی باشد، ظاهر گشت. آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی دو سوی میز گفتگو قرار گرفتند تا سر نوشت سوریه و مردم آن را تعیین کنند که در چارچوب منافع استعماری آنها بوده و امروزه هم دو قدرت برتر نظام بین الملل در چارچوب منافع خود به معامله در این سرزمین مشغولند. جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ تا کنون نشان داده است که ترکیب و عملکرد دولت مرکزی تنها منجر به عمیق تر شدن و گسترش گسل های تاریخی گشته است. فعال شدن گسل ها و ناتوانی همه جانبه دولت در مدیریت آن ها منجر به شکل گیری خلأ حاکمیتی گشته و بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به پر کردن این خلأ پرداختند. این دولت در سیاست و عمل در بازسازی کشورش بعد از جنگ دچار ناتوانی شده و فاقد استانداردهای لازم برای بازسازی دولت و ملت خود است. این دولت فاقد قدرت تصمیم گیری های سیاسی مطلوب منافع ملی خود و نیز اعمال این سیاست ها در سیاست خارجی خود شده است. شاید در نگاه ساده لوحانه ما شاهد حضور بشار اسد در رأس قدرت باشیم ولیکن این دولت علاوه بر مواجهه با چالش ها و بحران های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، با حضور بازیگران قدرتمند منطقه ای و فرامنطقه ای که هر کدام به دنبال کسب حداکثر منافع از ویرانه های سوریه برای خود هستند، روبه رو می باشد. چالش ها و تهدیدات افول اقتدار دولت سوریه نه تنها در این سرزمین گسترده نشده بلکه سایر دولت های منطقه ای از جمله ایران را نیز متأثر از خود ساخته است. از این رو در این تحقیق به این مسئله می پردازیم که شکنندگی دولت سوریه چه تهدیداتی را فراروی ایران قرار داده است. تهدید امنیت داخلی با ورود مستقیم داعش و تروریست ها به خاک ایران، تلاش برای تحریک اقوام کرد ایران برای جدایی طلبی و اشاعه افکار سلفی و تلاش برای ایجاد یک داعش ایرانی تهدیداتی هستند که امنیت داخلی ایران را نشانه گرفته اند. از سوی دیگر تهدید عمق استراتژیک ایران در سوریه و برهم خوردن توازن ایدئولوژیکی می تواند منجر به تهدیدات منطقه ای برای ایران گردد. از این رو ایران برای جلوگیری از تسری این ناآرامی ها درصدد برقراری یک توازن تهدید در منطقه بوده است؛ اتحاد استراتژیک با روسیه در اثنای جنگ سوریه و تقویت هرچه بیشتر محور مقاومت در تعقیب همین سیاست بوده است.

۱. چارچوب نظری: نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای

نظریه مجموعه های امنیتی منطقه ای، شامل را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی (که در اشکال الگوهای منسجم جغرافیایی از وابستگی متقابل امنیتی ظاهر می شوند) تعریف می کنند (Ayoob, 2020: 128). متغیرهای تاریخی نظیر: دشمنی های پایدار یا قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک، ویژگی خاص یک مجموعه امنیتی منطقه ای محلی را تحت تأثیر قرار می دهند. شکل گیری مجموعه های امنیتی منطقه ای از یک طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و از طرف دیگر ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است. مجاورت فیزیکی ساده باعث می شود تعاملات امنیتی میان همسایگان به مراتب بیشتر از تعاملات امنیتی دولت هایی باشد که در مناطق مختلف واقع شده اند. والت نیز بر این نکته تأکید کرده است (Anderson, 2020: 58)؛ وی بر این باور است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید مطرح می شود. به باور والت تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی های امنیتی دولت ها قرار دارد و بر این اساس دولت ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی ترسند، بلکه از دولت هایی می ترسند که بیش از سایر دولت ها تهدیدآمیز جلوه کند (Walt, 2008: 197). تهدید به نوعی خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزکارانه و در مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولت ها دشوار است به علاوه نیت و مقاصد دولت ها ممکن است تغییر کند (Walt, 1987, 28). نزدیکی و مجاورت جغرافیایی نقش تعیین کننده ای در تهدید زایی و «ادراک تهدید» کشورها دارد. به طوری که کشورها از همسایگان قدرتمند خود بیش از کشورهای قدرتمندی که دور از آنها قرار دارند، می ترسند و احساس تهدید می کنند. برای مثال اوکراین بیشتر از ایتالیا از قدرت روسیه احساس تهدید و خطر می کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۲۳۴).

در امنیت مجاورت مهم است زیرا بسیاری از تهدیدات، فواصل کوتاه را به مراتب راحت تر از فواصل طولانی قوی تر و آشکار تر از سایر بخش هاست. این قاعده کلی که مجاورت تعامل امنیتی را افزایش می دهد، در مورد بخش اقتصادی کمتر از سایر بخش ها صادق است. تمام دولت های سیستم تا حدی درون یک شبکه جهانی وابستگی متقابل امنیتی قرار گرفته اند. از آنجا که نا امنی اغلب رابطه نزدیکی با مجاورت دارد، این وابستگی متقابل در همه جا یکسان نیست. آنارشی در کنار فاصله و تنوع جغرافیایی به الگویی از خوشه ها (مجموعه ها)ی منطقه ای منجر می شود که در آن، وابستگی متقابل امنیتی میان دولت های درون مجموعه به مراتب شدیدتر از وابستگی متقابل

امنیتی میان دولت های داخل مجموعه و دولت های خارج از آن است (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۷).

مجموعه امنیتی خاورمیانه نمونه بارزی از یک سازه کشمکش زاست، افزون بر این که به طور غربی گسترده و پیچیده است و برخی خصایص فرهنگی متمایز دارد. در خاورمیانه همانند بسیاری از دیگر نقاط جهان سوم حس ناامنی نخبگان حاکم از محیط داخلی، عموماً نقش عمده ای را در ایجاد پویای های مربوط به ناامنی ایفا می نماید (Ayoob, 2018: 15). هر چند ظاهراً در این منطقه بیشتر کشورها به مرحله مدرن گام نهاده اند اما عمدتاً ضعیف و پدید آمده از دوره استعمار زدایی هستند و نمودهای روشنی از عناصر پشامدرن طایفه ای، قبیله ای و مذهبی در ساختار آنها وجود دارد. گرچه تعاریف گوناگونی از خاورمیانه تا کنون ارائه شده است، اما در سرتاسر این منطقه از مراکش گرفته تا ایران و در همه کشورهای عرب حوزه مدیترانه، شبه جزیره عربستان، اسرائیل و عراق یک الگوی وابستگی متقابل امنیتی حاکم است.

سرشت همواره کشمکش زای خاورمیانه آن را به صورت نمونه کاملی از یک گونه مجموعه امنیت منطقه ای کلاسیک محور و نظامی - سیاسی نزدیک می کند. از بسیاری از جنبه های ساختاری و رفتاری با اروپای آغاز عصر مدرن همسان است اما دو تفاوت عمده با آن دارد: نخست این که اروپای آغاز عصر مدرن یک سطح جهانی قدرتمند و مداخله گر در پویای های امنیتی خود را پیش رو نداشت. دوم اینکه احساسات متداخل و آمیخته ملی گرایانه عربی، اسلامی، ضد صهیونیستی و ضد غربی در خاورمیانه همراه با نگرانی های مداوم و منافع رژیم ها، ادراة خط مشی های قدرت را برای دولت های محلی و هم قدرت های مداخله گر بی اندازه دشوار نموده است. بنابراین برای فهم این مجموعه امنیتی منطقه ای فوق العاده پیچاپیچ، باید کل منظومه آن را به عنوان یک فعل و انفعال در سرتاسر سطوح داخلی، منطقه ای و جهانی مورد بررسی قرار داد.

۲. شکنندگی دولت ها در خاورمیانه

اگرچه سابقه دولت های ورشکسته در خاورمیانه به پیش از ناآرامی های فراگیر سال ۲۰۱۱ بازمی گردد، اما اعتراضات مورد بحث موجی از فترت و ضعف را برای نهاد دولت در خاورمیانه به دنبال داشت؛ به طوری که موجب تشدید ورشکستگی در پاره ای از دولت ها، افزایش تعداد دولت های ورشکسته در منطقه و تبدیل وضعیت کشورها از ورشکسته به فروپاشیده گردیده است. وضعیت دولت سوریه در دوره پسا ناآرامی نیز تصویری کامل از شکل گیری یک دولت ورشکسته

است. پس از گسترش موج ناآرامی‌های عربی به سوریه، این کشور به صحنه تقابل بازیگران منطقه ای و بین‌المللی بدل شده است که از طرفین درگیر حمایت کرده‌اند (زیبایی، ۱۳۹۷: ۵۴). دولت‌های شکننده در خاورمیانه را می‌توان به دو دسته متمایز تقسیم کرد: دولت‌های بحران زده یا بحرانی^۱ و دولت‌های فروپاشیده^۲. دولت‌های بحران زده یا بحرانی، دولت‌های هستند که با وخیم شدن وضعیت و شرایط داخلی به مرحله بحرانی رسیده‌اند یا اینکه تحت فشار و تنش‌های شدید داخلی قرار گرفته و نهاد‌های حاکم نیز با اعتراضات جدی مواجه بوده که به طور بالقوه توان برخورد و مدیریت شوک‌ها و کشمکش‌ها را نداشته‌اند؛ بنابراین خطر فروپاشی و سقوط این دولت‌ها وجود دارد. اما دولت‌های فروپاشیده یا ورشکسته دولت‌هایی هستند که قادر به تأمین امنیت و کارکردهای توسعه‌ای نبوده و همچنین کنترل مؤثری بر مرزها و قلمرو سرزمینی خود ندارند. فروپاشی این دولت‌ها صرفاً ناشی از عوامل داخلی نمی‌باشد. مداخله خارجی از طریق تشدید جنگ‌های قومی با حمایت از نیروهای معارض نیز می‌تواند موجب بی‌ثباتی و نهایتاً فروپاشی این دولت‌ها شود (اختیاری امیری، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

۲-۱. شکنندگی دولت سوریه

ریشه ناآرامی‌ها و اعتراضات سوریه، محرک‌های داخلی و خارجی است. از نظر داخلی، بافت جمعیتی این کشور با ماهیت قومی و حکومت اقلیت علوی بر جامعه اکثریت سنی سبب بروز نارضایتی‌هایی شده است. علاوه بر این، فقدان فضای باز سیاسی، فساد گسترده مالی و اداری، بحران هویت، بحران دولت‌سازی و مشروعیت، مشکلات و رشد اسلام‌گرایی افراطی از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری اعتراضات بود (Hourani, 2018: 87). از آنجایی که بافت جمعیتی سوریه متفاوت از سایر دولت‌های درگیر بحران‌های داخلی در خاورمیانه مانند عراق، تونس و لیبی بوده است، تحلیل دقیق آن ضروری است.

بافت جمعیتی سوریه بیشتر عشیره‌ای است و دچار شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی و ترکیب نامتجانس جمعیتی است. ریشه اصلی بحران جمعیتی این کشور به این واقعیت برمی‌گردد که از اقوام و طایفه‌های مختلف تشکیل شده است. مطالبات معترضان داخلی بشار اسد عبارتند از: بهبود وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی، مبارزه با فساد اقتصادی و رشوه‌خواری، انجام پروژه‌های

¹ Crisis State

² Failed State

اقتدار تحصیل کرده سوری نیز افزون بر درخواست های یادشده، خواهان آزادی فعالیت احزاب، حذف نظام تک حزبی و انتخابات آزاد هستند(مرادی، شهرام نیا: ۱۳۹۶: ۱۲۹).

سوریه اگرچه حتی قبل از شروع شورش‌های داخلی آن یک دولت شکننده بود، سیل پناهندگان سوری آن را از یک بحث منازعه ساده فراتر برده است. به طور کلی بر طبق آمار سازمان ملل، بیش از ۱۰/۸ میلیون نفر در سوریه - تقریباً نصف جمعیت - در حال حاضر نیاز به کمک های بشردوستانه دارند. بنابراین می توان گفت توانایی و قدرت دولت سوریه تنها به منطقه غربی این کشور محدود شده است. علاوه بر آن نزدیک به ۴۸ میلیارد دلار به اقتصاد سوریه تا سال ۲۰۱۲ بحران خسارت وارد شده است(Lisner,2016: 29). نیروهای مخالف دولت سوریه سازمان های مختلفی برای انسجام و سازماندهی اقدامات خود در داخل و خارج تأسیس کردند که مهمترین آنها عبارتند از : شورای ملی سوریه، کمیته هماهنگی ملی سوریه، ارتش آزادیبخش سوریه، اخوان المسلمین سوریه و احزاب گرد. از میان این گروه ها، شورای ملی سوریه و هیأت عمومی انقلاب سوریه در استانبول تشکیل شده و فعالیت خود را آغاز کردند. گروه های مخالف به همراه گروه های تروریستی مانند داعش که گروهی متشکل از خشونت طلبان فرقه ای با اغلب تابعیت خارجی بودند، توانستند بخش های مختلفی از کشور را تسخیر کنند. در همین راستا، رهبر القاعده-ایمن الظواهری- با صدور فتوایی اعلام کرد که شرکت در جهاد علیه بشار اسد وظیفه همه مسلمانان جهان است(مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

نبرد بین معارضان و تروریست ها که محصول قرائت های غیر واقعی و افراطی از اسلام و دولت در سوریه بوده، منجر به ویرانی های بسیار گسترده، آوارگی هزاران سوری و ایجاد بحران آوارگان، کشتار خشونت بار غیر نظامیان، ورود گروه های تروریستی از سراسر دنیا به داخل خاک سوریه و کشمکش قدرت میان قدرت های بزرگ در عرصه بین المللی گردید. بازیگران فراملی مانند داعش، جبهه النصره، احرار شام و بیش از پنجاه گروه سیاسی مسلح در سوریه و حتی عراق را می توان انعکاس نقش یابی بازیگرانی دانست که در وضعیت دولت فروپاشیده از قابلیت لازم برای نقش یابی برخوردار شده اند. بنابراین دولت های شکننده ماهیتاً چالشی محسوب می گردند که از یک سو باعث به وجود آمدن و اشاعه مؤلفه هایی چون تروریسم و افراط گرایی می شوند و از سوی نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت های فرامنطقه ای را فراهم می سازند. بر اساس شاخص های دوازده گانه بنیاد صلح، سوریه در سال ۲۰۱۱ در رتبه ۴۸ و در سطح هشدار در میان ۱۷۸ کشور قرار داشت اما در سال ۲۰۱۶ این کشور به دلیل منازعات و جنگ های داخلی به رتبه ۶ تنزل کرده است؛ یعنی به سطح خطر بسیار بالا و وضعیت فروپاشیده رسیده است(اختیاری امیری، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

واضح است که دولت سوریه زمانی در وضعیت خطر بسیار بالا قرار گرفت و تبدیل به یک دولت فروپاشیده شد که معارضان سوریه به ویژه نیروهای تروریستی و تکفیری، درگیری‌های شدید نظامی را با حمایت مالی و فکری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه دولت قانونی بشار اسد شروع کرده بودند که در پی آن دولت اسد قدرت کنترل بر امنیت داخلی، مرزها و تصمیم‌گیری را از دست داده و تبدیل به یک دولت فروپاشیده گردید. در این کشور بحران زده ساز و کارهای امنیتی منسجمی وجود نداشته و به لحاظ مؤلفه‌های حقوق بشری و اقتصادی نیز در وضعیت بحرانی قرار گرفته که زمینه را برای ورود سازمان ملل و سایر قدرت‌ها به بهانه حفظ حقوق بشر یا مداخلات بشر دوستانه فراهم آورده است. بنابراین می‌توان گفت دولت سوریه با گسترش میزان خسارت‌ها و خشونت‌ها و مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از یک دولت شکننده به یک دولت فروپاشیده یا مضمحل در عرصه سیاست بین‌الملل بدل گشته است.

جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ تا کنون نشان داده است که ترکیب و عملکرد دولت مرکزی تنها منجر به عمیق‌تر شدن و گسترش گسل‌های تاریخی گشته است. فعال شدن گسل‌ها و ناتوانی همه‌جانبه دولت در مدیریت آن‌ها منجر به شکل‌گیری خلأ حاکمیتی گشته و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به پر کردن این خلأ پرداختند (دهشیار، ۱۳۹۶: ۴۵). مداخلات خارجی در بحران سوریه را می‌توان در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحلیل کرد؛ در سطح منطقه‌ای عربستان، قطر، ترکیه و اسرائیل از حامیان تروریست‌ها و مخالفان دولت بشار اسد بوده که با حمایت از این تروریست‌ها، بر تشدید منازعات و بی‌ثباتی‌های داخلی سوریه دامن زده و نیز تأمین امنیت و کنترل مرزها و حاکمیت بر کل قلمرو سرزمینی آن را بر دولت سوریه بسیار دشوار کرده‌اند. قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز شامل دولت‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا هستند که در صف مخالفان دولت اسد و حامیان آشوبگران افراطی بوده که در مقابل این گروه‌ها (محور عربی - غربی و عبری)، دولت‌های حامی بشار اسد یا محور مقاومت قرار داشته‌اند که شامل کشورهای نظیر: ایران، روسیه، چین و نیز حزب الله لبنان هستند.

شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در جهان عرب در سال ۲۰۱۱ بستر داخلی سوریه را که اساساً و ذاتاً ماهیت بحران خیز داشت، تحت تأثیر قرار داد و ملاحظات قدرت‌های بزرگ، کشور را وارد جنگ داخلی کرد. آسیب‌پذیری کشور سوریه بازیگران منطقه‌ای را که درصدد بسط حوزه نفوذ و یا تثبیت جغرافیای عملیاتی فرامرزی خود بودند، وارد معادلات داخلی سوریه کرد و قدرت‌های بزرگ را به ایفای نقش برای شکل دادن به نتایج مورد علاقه رهنمون شد. شاید به جرأت می‌

توان گفت که دولت سوریه یک گام از دولت‌های ورشکسته بالاتر رفته است و می‌توان عنوان دولت خشم آلود^۳ را به آن داد (Heydemann, 2018: 15).

۳. تهدیدات داخلی جمهوری اسلامی ایران:

از منظر دولت جمهوری اسلامی ایران، حضور و ورود افراط‌گرایان داعشی و وهابی سلفی به منطقه و ایجاد جنگ داخلی در سوریه و در پی آن ورشکستگی دولت سوریه، بزرگترین عامل ناامنی و تهدید امنیت داخلی و منطقه‌ای آن محسوب می‌شود. از آنجایی که تهدیدات داخلی با امنیت وجودی آن یعنی بقا و حفظ موجودیت آن گره خورده است، تلاش برای فریز کردن آن در خود سوریه از طریق مستقیم در میدان نبرد برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهمترین اولویت را داشته است. در ادامه به مهمترین تهدیدات پرداخته می‌شود.

۳-۱. ورود تروریست‌ها و انجام عملیات تروریستی در خاک ایران

حرکت داعش در عراق بزرگ‌ترین خطر امنیت ملی برای ایران در چند دهه‌ی اخیر است. داعش دارای چند هدف است: بزرگ‌ترین هدف، شکستن استراتژی هلال شیعی و ایجاد یک منطقه و حتی کشور سنی‌نشین در مرکز این هلال شیعی و فاصله انداختن بین ایران و جنوب عراق با سوریه و اسرائیل است. از همین زاویه بزرگ‌ترین خطر فوری که کشور را تهدید می‌کند، نبودن این سپر و حائل بین ایران و این گروه در مرز غربی است. نزدیک شدن این گروه تروریستی به مرزهای ایران می‌تواند پیامدهای امنیتی برای کشور در بر داشته باشد. این موضوع به ویژه در صورت دست یافتن این گروه به سلاح‌های میانبرد، ابعاد جدی‌تری خواهد یافت. به دلیل سرقت‌های قابل ملاحظه‌ای که داعش در ژوئن ۲۰۰۴م در عراق داشت، در میان افکار عمومی ایران این برداشت ذهنی شکل گرفت که این گروه به زودی وارد ایران خواهد شد. البته این موضوع صریحاً از سوی مقامات ایرانی تکذیب شد. (Esfandiary & Tabatabaei, 2018)

از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که نوعی داعش ایرانی یا شاخه‌ی ایرانی داعش در خاک ایران شکل بگیرد (پورسعید، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۳). بنابراین طرح نزدیک نشدن داعش به مرزهای سرزمینی ایران، این کشور را وادار می‌کند تا تمهیداتی بیندیشد و از آنجا که با کشیده شدن درگیری‌ها به مناطق مرزی، ضرر و زیان‌هایی به کشور خواهد رسید، پس بهتر است با دشمن خارج از مرزهای سرزمینی جنگید و دفاع از کشور را در جبهه‌ی کشور همسایه انجام داد. کاری که

³ Fierce

ایران اسلامی در عراق و سوریه در مقابله با داعش و گروه‌های تفکیری انجام می‌دهد. ایران در حقیقت سعی دارد داعش و نیروهای تکفیری را در عراق و سوریه مهار کند و اسباب فروپاشی آن را در همان کشور فراهم سازد تا با هزینه کمتری مواجه شود. بنابراین نتیجه درگیری و جنگ و بی-ثباتی در سوریه هرچه باشد، مستقیماً با امنیت ملی ایران و توان منطقه‌ای آن برای رسیدن به سایر اهداف داخلی و منطقه‌ای آن در ارتباط است (Bartell, 2016: 47).

۲-۳. تهدید شیوع ایدئولوژی‌های تکفیری در ایران

یکی از تهدیدات امنیتی خارجی ایران در برنامه پنجم توسعه، شیوع تفکر وهابی و سلفی‌گری در عمق استراتژیک خارجی ایران است که می‌توان به وضوح آن‌ها را در افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، عربستان و امارات مشاهده کرد. نفوذ و گسترش این تفکرات در قالب گروه‌های سازمان‌یافته ساختارشکن همچون داعش در کنار مرزهای ایران باعث تشکیل و افزایش سازمان‌ها، احزاب سیاسی - مذهبی و تشکل‌های پنهان و آشکار افراط‌گرای غیر قانونی در داخل و خارج از مرزهای ایران می‌شود و این گروه با تقلیل اسلام‌محوری به شیعه‌هراسی می‌تواند باعث تشدید روندهای واگرایانه در کشور شود (کریمی، ۱۳۹۷: ۸۰). گروه‌های تجزیه طلبی همچون جیش العدل، پژاک و خلق عرب می‌توانند در مرزهای ایران عرض اندام کنند و موجبات تضعیف انسجام دولت ایران را فراهم آورند و بقای کشور را به خطر اندازند (Aghazadeh khoei, 2018: 158).

۳-۳. تهدید اشاعه افکار جدایی طلبانه

تجزیه سوریه و عراق و تقویت گروه‌های جدایی‌طلب در این کشورها و خشونت شدید و مداوم توسط داعش و جبهه النصره در عراق و سوریه، نشانه خوبی برای ایران و متحدان شیعی این کشور در منطقه‌ای که اعراب سنی در آن اکثریت هستند، نمی‌باشد (Granmayeh, 2017: 30). ظهور گروه‌های سلفی جهادی داعش و ضدیت آنان با شیعیان باعث تسریع در اعلام استقلال کردهای عراق شده است (Zachary and Masters, 2016: 78). پس از فروپاشی نیروهای دولتی در موصل و تکریت، کردها بلافاصله اقدام به تصرف شهرهای مجاور و منابع نفتی آن کرده اند و رهبر اکراد عراق (مسعود بارزانی)، خواستار برگزاری همه‌پرسی استقلال شده است. بنابراین تشکیل دولت گردنشین در عراق می‌تواند تهدیدی برای ایران محسوب شود. کردها حداقل ۱۰ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (Hubbard, 2020: 97). پس فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کردها در قالب یک دولت گردنشین در کنار ایران باعث افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی کردهای ایران خواهد شد. هر اندازه که نقش نخبگان و سیاستمداران گرد در راه اداره حکومت

اقلیم کردستان پررنگ شود، روند مطالبات سیاسی و اجتماعی کردهای ایران سیر صعودی خواهد یافت. این مسئله چالشی برای امنیت ملی ایران و تمامیت ارضی ایران به حساب می‌آید (دهنوی، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

در کنار این تهدیدات، تهاجم داعش به اقلیم کردستان برای ایران دارای اهمیت است زیرا در صورت برتری داعش در اقلیم کردستان و همسایگی‌شان با کردستان ایران، فرصتی برای اشاعه افکار افراطی در میان برخی از لایه های ملت برای آن‌ها فراهم خواهد شد و هر گنش و واکنشی که در این منطقه به وقوع بپیوندد و به کاهش قدرت ایران منجر شود، به قدرت گرفتن ترکیه و عربستان، آمریکا و اسرائیل به‌عنوان رقبای ژئوپلیتیک و حتی ایدئولوژیک ایران کمک کرده و قدرت و منافع ملی ایران را تضعیف خواهد کرد (عبدی، ۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران نیز برای حفظ امنیت خود در قبال تهدیدات به‌وجود آمده، رویکرد حمایت همه جانبه خود را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشته و اتحادی با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ کرده و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرده است. این اقدامات ایران در راستای همان مشکل فقدان متحد استراتژیک در منطقه صورت می‌گیرد. در این میان، سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک ایران در خاورمیانه می‌تواند نقش بسیار مهمی برای سیاست امنیتی ایران ایفا کند (Brown, 2018: 97). بحران کنونی سوریه ممکن است به تحول ساختاری در خاورمیانه منجر شود و پای قدرت‌های بزرگ را به منطقه بیشتر باز کند. تغییر در ساختار قدرت سوریه و سقوط اسد می‌تواند صف‌بندی فعلی بین کشورها را در منطقه تغییر دهد و سر کار آمدن گروه‌های ضد ایرانی در حکومت سوریه به انزوای بیشتر ایران در محیط امنیتی منطقه منجر شود. این مسائل است که باعث شده ماندگاری بشار اسد برای ایران مهم باشد و سقوط وی خط قرمز ج.ا. ایران شود.

۴. تهدیدات منطقه ای ایران در سایه شکنندگی دولت سوریه

۴-۱. احتمال تهدید موازنه ایدئولوژیک در منطقه

منطقه خاورمیانه پس از فروپاشی رژیم عراق با تلاش دول منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در حال شکل دادن موازنه جدید در برابر ایران است (Lauziere, 2020: 23). کشورهای منطقه خاورمیانه چون توان رویارویی با ایران را ندارند و به مصلحت نمی‌دانند، کوشیدند ابتدا با طرح مسائلی چون هلال شیعی و متهم کردن ایران مبنی بر احیای امپراتوری صفوی در ایران، بحران و شیعه‌هراسی را رواج دهند. طرح کردن اختلاف میان شیعه و سنی و تأکید بر کافر بودن شیعیان، به شکل‌گیری و

تقویت تفکر ضد شیعی منجر شد. پس از آن برای ضربه زدن به سوریه (متحد ایران) وارد عمل شدند و مخالفان سوریه را مسلح کردند. تسلیح مبارزان و دمیدن بر آتش فرقه، به شکل‌گیری داعش انجامید. از دید آمریکا و کشورهای عرب منطقه، مبارزه داعش با شیعیان و نابودی آن‌ها، خود به خود به کاهش قدرت ایران در منطقه منجر خواهد شد (نصیری، سال‌دورگر، ۱۳۹۵: ۵۶۷). کشورهای مثل عربستان و قطر نیز بحران سوریه را فرصتی برای سد کردن نفوذ رو به رشد ایران در عراق و شامات می‌دانند تا از این طریق بتوانند مواضع و جایگاه خود را نیز تقویت کنند (Baker, 2019: 14). به اعتقاد بسیاری، جبهه سوریه و عراق محل تلاقی نیروهای مقاومت به رهبری ایران و کشورهای محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان است و شکست هر یک از طرفین در این جنگ نیابتی به معنای برتری دیگری در منطقه است (Goodarzi, 2019; 34). عربستان با تلاش برای تغییر رژیم سوریه و رقابت با ایران، شروع کننده جنگ نیابتی در سوریه شده است (8: Harrier, 2018). از آن جایی که عربستان، سوریه را به خاطر حمایت از حزب... باعث کاهش نفوذ خود در لبنان می‌داند، بنابراین تحولات سال ۲۰۱۲ سوریه این فرصت را در اختیار آل سعود قرار داد تا بتوانند از سوریه در مرحله بعد از ایران انتقام بگیرند. سقوط سوریه و به قدرت رسیدن حکومتی همگرا با محور ترکیه و عربستان، عملاً مرزهای غربی عراق را نیز در معرض فشار حکومت جدید سوریه قرار می‌دهد. در چنین شرایطی حفظ حکومت اسد برای ایران یک موضوع حیاتی است (46: Hirschkind, 2020). از دیدگاه ایران، طرح شکل‌گیری هلال شیعی در راستای همان سیاست سنتی؛ یعنی تلاش برای مهار ایران از طریق استفاده از فرقه قومی - مذهبی است. به عبارت دیگر، آمریکا که خواهان تغییر رژیم در ایران است، به دنبال آن است که با استفاده از ایده هلال شیعی و ایجاد ایران هراسی و شیعه هراسی، کشورهای منطقه را در اتحادی علیه این کشور گرد هم آورده و جنگ دیگری را بر منطقه تحمیل نماید بنابراین شکل‌گیری هلال شیعی موجب تقویت شکاف مذهبی شیعه - سنی در منطقه و خارج از آن خواهد شد. بحران سوریه یکی از مهم‌ترین عناصر جنگ سرد اعراب با ایران در خاورمیانه را در حال حاضر شکل داده است؛ یا به عبارتی جنگ شیعی و سنی را به شکل نظامی آن آرایش داده است (2: Brookings, 2018).

۴-۲. تهدید موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه ای ایران

سوریه به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی مؤثر، همسایگی با رژیم اسرائیل، تأثیرگذاری بر تحولات لبنان و هم پیمانی با ایران در محور مقاومت، کشوری بسیار حائز اهمیت است. ایران به واسطه رابطه با سوریه در سال‌های اخیر، امکان و قدرت بازیگری بالایی در منطقه شامات و در مرزهای اسرائیل پیدا نموده و این ارتباط، امکان گسترش قلمرو و عمل‌بخشی راهبردی را برای ایران به‌منظور مقابله

با اسرائیل در منطقه فراهم آورده است. بر همین اساس، می‌توان این دو کشور را عمق استراتژیک یکدیگر نامید و این مسئله به گونه‌ای متقابل بر افزایش نقش منطقه‌ای آن‌ها تأثیرگذار بوده است (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). ایران و سوریه دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. دوستی ایران و سوریه از قبل از انقلاب شروع شده و در دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده بود. و بعد از آن هم به عنوان دو کشوری که منافع راهبردی مشترکی داشتند، در منطقه به ایفای نقش پرداخته‌اند. ایران با کمک سوریه توانسته است آن آزادی عمل را در لبنان داشته باشد تا بتواند از گروه‌های مبارز فلسطینی یا حزب... لبنان حمایت کند. برای حفظ این آزادی عمل، ایران به شدت از دولت قانونی بشار اسد حمایت و دفاع می‌کند؛ چرا که فروپاشی نظام سوریه ممکن است به تضعیف حزب... و گروه‌های فلسطینی هم منجر بشود. از لحاظ ژئوپلیتیکی، سوریه عمق راهبردی ایران در غرب تا سواحل دریای مدیترانه است. بنابراین مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. از این منظر، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه‌های حزب...، جهاد اسلامی و حماس، یک جبهه ضد صهیونیستی تشکیل داده که در این اتحاد، سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند. و در حال حاضر همه فشارها برای شکست پل ارتباطی یعنی سوریه اعمال می‌شود و هدف از سرنگونی رژیم کنونی در آن کشور نیز با امید به منزوی ساختن ایران صورت می‌پذیرد. یکی از اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های نافذ فرامنطقه‌ای، قطع محور راهبردی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می‌سازد. بنابراین قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تأکید نظام سلطه در نبرد با ایران نیز محسوب می‌شود. فوری‌ترین هدف راهبردی محور غربی - عربی از بی‌ثبات‌سازی و ایجاد بحران در سوریه عبارت است از تصرف اولین خاکریز دفاعی جبهه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی و حمله به عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران که ضرورت اولیه تضعیف مقاومت اسلامی و سیاست مهار ایران تلقی می‌شود (Bayat, 2017: 63). ایران در درگیری‌های فعلی سوریه به منزله بازیگری است که نقش حیاتی ایفا می‌کند. روابط نزدیک بین ایران و سوریه بر پایه موقعیت ژئوپلیتیک است. ایران حتی بیشتر از روسیه، بزرگ‌ترین حامی رژیم سوریه محسوب می‌شود. اتحاد ایران و سوریه تا حد زیادی فاقد بُعد ایدئولوژیک و مذهبی است. رژیم سکولار سوریه توسط یکی از اعضای فرقه علوی اداره می‌شد که ارتباط چندانی با اکثریت شیعه در ایران ندارد. از نگاه تهران، سوریه مزایای استراتژیکی و ژئوپلیتیکی زیر را برای ایران دارد: (۱) سوریه دروازه استراتژیک به سوی جهان عرب، (۲) سدی در برابر قدرت ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و (۳) شاید مهم‌تر از همه یک پل ارتباطی مهم برای دسترسی به حزب... لبنان است. موضع ایران در سوریه کاملاً مشخص است. ایران تمام تلاشش را برای حفظ دولت قانونی بشار اسد بر سر قدرت انجام می‌دهد و خواهد داد. ج. ا. ایران این را درک کرده است که اگر رژیم اسد سقوط کند، بتواند یک گام به جلو بردارد؛ به این صورت که از علویان و سایر اقلیت‌های شبه نظامی موجود

در سوریه حمایت کند. نه فقط به این دلیل که نفوذ و اقتدار خود را در سوریه حفظ و تثبیت کند، بلکه و از همه مهم‌تر این که بتواند خط ارتباطی خود را با حزب... لبنان حفظ کند و سد راهی برای نفوذ اسرائیل به مرزهای خود بیابد. فروپاشی سوریه از جهت ژئوپلیتیکی منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. برژینسکی در این ارتباط معتقد است که؛ تغییرات قدرت در سوریه ممکن است موجب متلاشی شدن منطقه گردد (Harrier, 2018: 20).

۳-۴. تهدید فروپاشی محور متحدان ایران در منطقه

پیوندهای ایران و سوریه که پس از ۱۹۷۹ آغاز شد، به شکل‌گیری محوری از متحدان شامل: ایران، سوریه، حزب... و حماس در حوزه شمالی خاورمیانه انجامیده است که به محور مقاومت موسوم شده است. این اتحاد گرچه ریشه اصلی‌اش در نگرانی‌های امنیتی این دولت‌ها از اسرائیل و عراق نهفته بود، به مؤلفه‌ای کلیدی از نظام اتحادها در خاورمیانه تبدیل شده است. در واقع محور مقاومت به جزئی از تقلای قدرت در منطقه تبدیل شده است و پیوندهای سیاسی را با برخی از گروه‌ها و نیروهای خرد غرب ستیز در درون عراق، یمن، عربستان و حوزه خلیج فارس برقرار کرده است؛ به طوری که پادشاه اردن از نفوذ ایران در آن، به مثابه اختاپوسی با شاخک‌های متعدد در درون دنیای عرب نام برده است. این اتحاد ایران و سوریه در طول سه دهه گذشته به ائتلافی تنومند در خاورمیانه تبدیل شده و با سرشت تدافعی‌اش بر دامنه اهدافش افزوده شده است که با مخالفت‌هایش با رژیم اسرائیل و محور دولت‌های «میانه و غربی» و همچنین هژمونی غرب بر خاورمیانه شناخته شده است (Azani, 2019: 16). این ائتلاف علاوه بر اسرائیل در حوزه لبنان و فلسطین نیز بوده است؛ به گونه‌ای که به این اتحاد به عنوان کلید طرح قدرت و نفوذ ایران در حوزه عربی شرق مدیترانه نگریسته شده. اتحاد ایران و سوریه علاوه بر کارکردی که علیه تهدیدات مشترک مثل تهدیدات اسرائیل در برهه‌های عراق و ترکیه و همچنین هژمونی ایالات متحده داشته، علیه نفوذ منطقه‌ای عربستان سعودی- به‌ویژه در حوزه شرقی مدیترانه- نیز به‌خوبی عمل کرده است. حوزه لبنان و سرزمین‌های فلسطینی به‌لحاظ فقدان اقتدارهای نیروی ملی و نیز تجاوزات اسرائیل به حوزه‌های نفوذ‌پذیر در کرانه شرقی مدیترانه تبدیل شده است. در حوزه فلسطین، ایران با توجه به وجوه مشترک ایدئولوژی اسلامی- سیاسی پیوندهایی نزدیک برقرار کرده است و عربستان به همکاری‌های نزدیک‌تر با فتح روی آورده است (جانسینر، بهرامی مقدم، ستوده، ۱۳۹۳: ۷۳).

سوریه، لبنان را منطقه حائل و ایران آن را جبهه مبارزه با اسرائیل می‌داند. سوریه امکان حضور ایران در لبنان را تأمین و تضمین می‌کند. این امر موجب پیدایش حزب...، تشدید حرکت اسلامی

در فلسطین اشغالی و فشار بر اسرائیل و نیز تداوم جریانات صدور انقلاب اسلامی شده است. ایران بارها از جمله در جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۳۳ روزه و اخیراً در جنگ ۸ روزه حزب... با اسرائیل رسماً اعلام کرد که از حزب... حمایت نموده است. ضمن این که از کمک به حماس در حملات اسرائیل به غزه و تلاش این گروه در باز پس‌گیری سرزمین اشغالی فلسطین نیز دریغ نکرده است (شهریاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۴). برای ایران خطر بی‌ثباتی سوریه، دست کم موجب از دست رفتن بخشی از توانایی اعمال نفوذ در منازعات اعراب، اسرائیل، فلسطینی‌ها و متحدان شیعی خود در لبنان و به خصوص گروه حزب... خواهد شد (Nerguizian, 2016: 84).

ایده‌ی محور مقاومت علیه اسرائیل و ایالات متحده یک پوشش ایدئولوژیکی برای سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران است و این اهداف به جنگ سوریه وابسته است. سوریه تنها پایگاه برون‌مرزی ایران در تأثیرگذاری بر جهان عرب است و این امر به صورت چشمگیری می‌تواند هم حزب... لبنان را تضعیف کند و هم حماس و جهاد اسلامی در غزه را ضعیف سازد. از سوی دیگر، تلاش دولت‌های منطقه‌ای جهت روی کار آمدن گروه‌های سلفی مخالف جمهوری اسلامی موجب چرخش بنیادی سیاست خارجی سوریه خواهد شد و این چالشی برای امنیت ملی ایران خواهد بود. طرح جنگ علیه سوریه، رابطه‌ی تنگاتنگی با طرح جنگ علیه ایران دارد. این امر بخشی از همان نقشه‌ی نظامی آمریکایی-اسرائیلی برای تضعیف ایران در راستای محافظت از اسرائیل است (Akbarzadeh, 2017: 110).

وجود بحران بی‌ثباتی برای سوریه به‌عنوان کلیدی‌ترین حلقه‌ی محور مقاومت اسلامی و عمق استراتژیک و یکی از مهم‌ترین بخش‌های راهبردی مهار ایران، در واقع هدفی جز برقراری توازن بین محورها و تضعیف نقش و جایگاه ایران را دنبال نمی‌کند. در این اثنا اگر ایران قادر به حفظ نظام بشار اسد باشد، این یعنی یک پیروزی استراتژیک و شکستی وحشتناک برای اعراب اهل سنت. به همین علت این کشورها بیشتر سعی در طولانی شدن بحران و افزایش قدرت مخالفان می‌کنند حمایت همه‌جانبه‌ی دولت‌های سنی‌نشین منطقه همچون قطر، ترکیه و در صدر آن‌ها عربستان از گروه‌های تکفیری سلفی و داعش، تلاشی در جهت از هم پاشیدن اقتدار شیعیان منطقه و منزوی نمودن ایران است (آدمی، کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳).

سرنگونی دولت بشار اسد و دولت شیعی عراق موجب تضعیف محور مقاومت و گفتمان شیعه، انزوای جمهوری اسلامی ایران، از دست رفتن جبهه‌ی سوریه و عدم دسترسی ایران به حزب... و حماس، برتری یافتن عربستان و دولت‌های مخالف ایران در منطقه و نهایتاً کاهش ضریب امنیتی ایران می‌شود و البته روی کار آمدن یک دولت شیعی در سوریه موجب افزایش عمق استراتژیک

ایران در منطقه و تقویت محور مقاومت و در نتیجه افزایش قدرت و ضریب امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. بنابراین ایران می‌داند که اگر دولت بشار اسد سقوط کند، یکی از پایگاه‌های مهم و راهبردی محور مقاومت فرو خواهد پاشید و این مسأله به لحاظ راهبردی پیامدهای ویرانگری برای آینده منطقه خواهد داشت. سقوط حکومت کنونی سوریه موجب از بین رفتن بخش عمده‌ای از دستاوردهای سیاست خارجی ایران می‌گردد. به عبارت دیگر، بی‌تفاوتی در پرونده سوریه به منزله خطای راهبردی است که بسیاری از دستاوردهای منطقه‌ای ایران را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بحران سوریه به منزله تجربه سنگینی برای جبهه مقاومت با محوریت ایران محسوب می‌شود که هرگونه پیروزی یا شکست در آن تعیین‌کننده چشم‌انداز بلندمدت حیات سیاسی سایر بازیگران جبهه مقاومت است (سلیمی، شریعتی، ۱۳۹۴: ۸۵).

با سرنگونی اسد، غرب یکی از کشورهای اصلی در محور مقاومت و حامی سرسخت حماس و حزب... را از میان برمی‌دارد و از این طریق، ضمن تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و هموار کردن راه برای دیکته کردن سیاست‌های خود در فلسطین و منطقه، دایره فشار بر ایران را تنگ‌تر خواهد کرد. از این رو، ایران که وضعیت شکل گرفته در سوریه را به عنوان بازی با حاصل جمع جبری صفر تلقی کرده، نگران از این موضوع است که مبدا سقوط اسد زمینه را برای ظهور رژیم جدید و نظم منطقه‌ای نامطلوب ایران فراهم آورد. در واقع، ایران به این مسئله پی برد که نه تنها یک متحد عربی با اهمیت را از دست خواهد داد، بلکه توانایی این کشور در حمایت از حزب... و نفوذ این کشور در لبنان و موضوع منازعه اعراب رژیم صهیونیستی نیز محدود خواهد شد. تهران با ظهور «هلال سنی» طرفدار غرب که از ترکیه به سوریه، اردن، عربستان و امارات گسترده شده، روبه‌رو خواهد شد. سناریوی کابوس‌واری برای ایران بعد از اسد می‌تواند شکل بگیرد و آن جابه‌جایی از نظم موجود به نظم سنی است که قطعاً ضد ایرانی، ضد شیعی و طرفدار رقیب ایران در منطقه یعنی عربستان خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با وقوع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و فروکش کردن تقریبی آن در ۲۰۱۸، اقتدار و حاکمیت دولت بشار اسد از بسیاری از جهات رو به افول گذاشت. تشدید ناآرامی‌های داخلی، ویرانی‌های زیرساخت‌های اقتصادی، حضور پررنگ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای و پشتیبانی آنان از تروریست‌ها سایه سنگین تهدیدات داخلی و منطقه‌ای را فراروی ایران قرار داده است. همانطور که

بری بوزان در نظریهٔ مجموعهٔ امنیتی منطقه ای و نیز استفن والت در واقع گرایشی تدافعی به آن اشاره می کنند، نزدیکی جغرافیایی ایران به سوریه و نیز الگوهای همکاری و رقابت آن با سایر دولت های منطقه ای مانند عربستان سعودی و رژیم اسرائیل در بحران سوریه نشان می دهد، تصمیم گیرندگان جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا به طور جدی از دولت بشار اسد حمایت کرده و از فروپاشی کامل آن و همچنین از گسترش افراط گرایی در خاورمیانه و به ویژه ایران جلوگیری کنند. از منظر دولت ایران، کشورهای عربی و غربی تمام تلاش خود را به کار بسته اند تا با سرنگونی بشار اسد قدرت استراتژیکی ایران را در منطقه کاهش دهند و نیز امنیت داخلی آن را به مخاطره اندازند. دولت جمهوری اسلامی معتقد است که سوریه خط مقدم عمق استراتژیک ایران است که با نقش آفرینی در معادلات سیاسی لبنان و فلسطین و خط مقدم درگیری با اسرائیل و همچنین اساس محور مقاومت، در کنار ایران، حزب... و حماس در مقابله با اسرائیل یک پیروزی برای ایران خواهد بود و در غیر این صورت، تهدیدی جدی علیه تمامیت ارضی آن را در پی خواهد داشت. این خطر وجود دارد که داعش بتواند با تبلیغات وسیع خود حساسیت اهل تسنن ساکن در ایران را علیه شیعیان برانگیزد که در بلندمدت می تواند باعث ایجاد روندهای واگرایانه در ایران گردد. بنابراین ایران با درک این نکته که در صورت سقوط کامل اسد و فروپاشی حاکمیت آن، تهدیدات منطقه ای و داخلی علیه آن بیشتر خواهد شد، علاوه بر حضور نظامی فعالانه در میدان نبرد با تروریست ها در سوریه در صدد تقویت تعاملات استراتژیکی با متحدان منطقه ای همچون عراق و حزب الله لبنان و قدرت های فرامنطقه ای همچون روسیه بوده است. بنابراین می توان گفت که حضور ایران در بحران سوریه بیشتر بر مبنای حفظ امنیت داخلی و منطقه ای آن بوده به گونه ای که با درک تهدیدات در مجاورت جغرافیای خود در صدد برقراری یک توازن تهدید و ممانعت از سرریزی تهدیدات شکنندگی دولت سوریه به دو محیط داخلی و خارجی خود است.

منابع

الف) منابع فارسی

- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۶). «تأثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره سوم، ص ۱۵۵-۱۸۸.
- آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام. (۱۳۹۴). «جایگاه مجموعه‌ی امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴.
- بصیری، محمدعلی؛ سالدورگر، الهه (۱۳۹۵). «بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳.
- بوزان، بری، ویور، اولی (۱۳۸۸). «مناطق و قدرت‌ها»، ترجمه رحمان قهرمان پور، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶). «حرکات جدید داعش در آستانه‌ی ورود به دوره‌ی پسا موصل»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۶۶۱، فروردین / اردیبهشت ۱۳۹۶.
- جانسیز، احمد، بهرامی مقدم، سجاد، ستوده، علی، (۱۳۹۳)، «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۳.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۶)، «بحران سوریه: ابهام استراتژیک آمریکا و فرصت طلبی روس‌ها»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هفدهم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)، چاپ اول، تهران: سمت.
- دهنوی، مهدی، تاج‌آبادی، حسین، (۱۳۹۶)، «فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۸.
- زیبائی، مهدی (۱۳۹۷)، «نهاد دولت در خاورمیانه عربی پس از حوادث ۲۰۱۱»، فصلنامه دولت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۳۷-۶۸.
- سیمبر، رضا، ستوده، علی‌اصغر، اسمعیلی، علی، (۱۳۹۵)، «راهبرد روسیه در بحران سوریه، (۲۰۰۱-۲۰۱۴)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- سلیمی، حسین، شریعتی، مجتبی، (۱۳۹۴)، «منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم و یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۳، شماره ۸۹.
- شهریاری، محمدعلی؛ شفیعی، اسماعیل؛ واعظ، نفیسه. (۱۳۹۵). بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه‌ی بازی‌ها). فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره‌ی ۲۷.
- عباسی، مجید، (۱۳۹۴)، «بحران سوریه تبلور نظریه‌ی واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۲.

عبدی، عطاله، (۱۳۹۷)، «پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور داعش در منطقه‌ی محور مقاومت و حوزه‌ی نفوذ ایران» کتابخانه دیجیتال دید.

کولایی، الهه، سلطان‌نژاد، محمد (۱۳۹۵). «علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۳، شماره‌ی مسلسل ۷۳.

مرادی، اسدالله، شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۹۶). «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، پیاپی ۴۵.

مسعود نیا، حسین، فروغی، عاطفه، چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۷). «ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۰.

نظامی‌پور. قدیر؛ شادمانی، مهدیه؛ اخوان، منیژه (۱۳۹۵). «ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستتاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، سال پنجم، شماره ۱۸.

ب) منابع انگلیسی

Ayoob, Mohammed (2020), "Political Islam: Image and Reality," *World Policy Journal*, Vol 21, No. 3.

Ayoob, Mohammad, (2018), "Defining Security: A Subaltern Realist Perspective", *Foreign policy*, No, 145.

Azani, Eitan, (2019), **Hezbollah: The Story of the Party of God, from Revolution to Institutionalization**, New York: Palgrave MacMillian.

Anderson, John (2020), "Religion and International relations", *Issues In International Relations*, Vol.1, No.2.

Akbarzadeh, Shahram, (2017), "Iran's Uncertain Standing in The Middle East", *The Washington Quarterly*, Vol,1(2).

Aghazadehkhoei, M, (2018), "Iran's security and the Islamic state Through the lense of copenhagen school", *Studies in conflict and Terrorism*, Vol.1(3).

Bartell, Dawn and Gray David, (2012), "Conflict in syria and the opportunity Community", *Golobal security Studies*, Vol 3(4).

Brookings, (2018) "Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold war", <http://www.brookings.edu>, (Number 11, July 2018).

Baker, Raymond William (2019), **Islam without Fear: Egypt and the New Islamists**, Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

Bayat, Asef (2017), "The Coming of a Post-Islamist Society", *Critique: Journal for Critical Studies of the Middle East*, Vol. 5, No.9, pp 43-52.

Bayat, Asef (2018), "What is Post-Islamism?", *IsIM Review*, Vol. No.2, pp 111-137.

Brown, Steve (2018), "Resident boy Adeel, 8, plays in front of the compound where US Navy SEAL commandos reportedly killed al Qaeda leader Osama bin Laden in Abbottabad", *World Policy Journal*, Vol 21, No. 3.

Esfandiary, Dina, & Tabatabaai, Arain, (2018), "Iran's ISIS Policy", *The Royal Inistitute of Internation Al Affairs*, Vol 91(1).

- Friedman, George ,(2019) “,Why Syria Matters to You. ” *Mouldin Economics,Sept.*
- Granmayeh, Elie, (2017), “ Iran's Strategy Against The Islamic State”, in Julien Barnes-Dacey, Lens, *European Council on Foreign Relation.*
- Goodarzi, Jubin, (2013), “ Syria And Iran: Alliance Cooperation in A Changing Regional Environment”, *Ortadogu Enutleri*, Vol 14(2).
- Goodarzi, Jubin, (2019), “ Iran: Syria As The First Line Of Defence”, in Julien Barnes -Dancey, & Dael, Levy (Eds), *The Regional Straggle for Syria, Euopean Council on Foreign Relations.*
- Harriet, Ephraim, (2018), “ Arab League Urges Joint UN-Arab Peacekeeping Mission in Syria”, *The Guardian*, [Http:Www.Guardian.Co.Uk](http://www.guardian.co.uk).
- Heydemann, Steven, (2018), “Beyond Fragility: Syria and the Challenges of Reconcteraction”, *Foreign Policy of Brookings.*
- Hirschkind,Charles (2020), **What Is Political Islam?**, **Middle East Report, No. 205. pp 125-167.**
- Hourani, Albert, (2018), Arabic Thought in the Liberal Age; 1798-1939,** Cambridge University Press, Cambridge, p. 115.
- Hubbard, Ben, (2020), “Islamist rebels create dilemma on Syria policy”, *World Policy Journal*, Vol 21, No. 3.
- Laub, Zachary, and Jonathan Masters, (2019), “Al-Qaeda in the Islamic Maghreb (AQIM)”, Council on Foreign Relations. Accessed January 8.
- Lauziere, Henri (2020), “Post-Islamism and the Religious Discourse of Abd Al-Salam Yasin”, *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 37, No.2, pp 241-261.
- Lisner, Matthew,(2016), **Failed State and the Effects of Instablity**, Rutgers, the State Universiry of New Jersey.
- Nerguizian, Aram, (2016), “ USA and Iranian Strategic Competition”, *International Strategic Studies Center, CSIS .*
- Walt, Stephen m, (1987), **The Origins of Alliance** , Cornell University press.
- Walt, Stephen, (2008), "Alliance in a Unipolarubid," *World Politics Magazin*, Vo., 39(2).
- Zachary, Masters, J., (2016), “ Islamic State in Irag And Greater Syria ”,*Council on Foreign Policy Relation.*